

واکاوی تکرار عبارت بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ در قرآن کریم و ارزیابی برگردان فرانسوی آن

محمدرضا فارسیان (دانشیار گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

farsian@um.ac.ir

نسرین اسماعیلی (کارشناس ارشد مترجمی زبان فرانسه، گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

n.esmaeili20@gmail.com

چکیده

یکی از راه‌هایی که قرآن کریم در پیام‌رسانی از آن بهره می‌گیرد تکرار یک کلمه، یک عبارت یا یک جمله می‌باشد. زیرا این پدیده سبب تثبیت مطلب در ذهن مخاطب می‌شود. در این میان عبارات بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ۱۱۴ بار در قرآن تکرار شده است که در هر سوره مطابق با محتوای سوره قابل ترجمه و تفسیر است. در واقع می‌توان گفت که این عبارت در حکم تابلو برای هر سوره است. در حالی که این عبارت از ۴ کلمه تشکیل شده است، با پژوهش‌های به‌عمل‌آمده نگارندگان مقاله بدین نتیجه رسیدند که اغلب مترجمان فرانسوی در انتقال معنای درست این عبارت موفق عمل نکرده و تنها به ظاهر کلمات بسنده کرده‌اند. پژوهشگران ده ترجمه قابل دسترس و معتبر را از قرآن به زبان فرانسه، ترجمه‌شده توسط مترجمان معروف، انتخاب کرده و به استناد تفاسیر مشهور و با استفاده از روش توصیفی تحلیلی برگردان این عبارت را به‌منظور تشخیص معادل مناسب بررسی کرده و در نهایت در صدد پاسخ به این سؤال بر آمده‌اند که چه عواملی در درست ترجمه‌کردن این عبارت قرآنی می‌تواند مؤثر باشد؟

کلیدواژه‌ها: تکرار، بسم الله الرحمن الرحيم، برگردان فرانسه، ترجمه قرآن

۱. مقدمه

یکی از راه‌هایی که قرآن کریم در پیام‌رسانی از آن بهره می‌گیرد تکرار است. گاه ممکن است یک کلمه، یک عبارت یا یک جمله تکرار شود. قرآن کریم طی ۲۳ سال و تدریجی بر پیامبر نازل شد و لازم بود برای تربیت و راهنمایی مردم، یک مطلب، یک عبارت یا یک داستان چند بار بیان شود و هر بار به مطلبی از آن اشاره شود. این امر بیانگر آن است که قرآن یک کتاب تاریخی نیست که یک بار حادثه را کلاً بیان کرده و دیگر به سراغ آن نرود، بلکه یک کتاب تربیت و انسان‌سازی است و می‌دانیم در مسائل تربیتی گاه شرایط ایجاب می‌کند که یک حادثه را بارها و بارها یاد آور شوند، از زوایای مختلف به آن بنگرند و در جهات گوناگون نتیجه‌گیری کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص. ۵۰۲). به عبارت دیگر در مقام تربیت گاه لازم می‌شود روی یک مسئله مهم، بارها تأکید شود تا تأثیر عمیقی بر ذهن خواننده بگذارد و او را به سوی آن عناوین بیشتر سوق دهد (مهدوی، ۱۳۸۶، ص. ۲۸).

یکی از عبارات پر تکرار قرآن بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ می‌باشد که ۱۱۴ بار در قرآن بیان شده است. ۱۱۳ بار در ابتدای ۱۱۳ سوره قرآن و یک بار نیز در سوره نمل در ابتدای نامه حضرت سلیمان(ع) به بلقیس آمده است. با توجه به ظاهر مشابه این عبارت در قرآن، شاید این فکر به ذهن خطور کند که این عبارت دارای معنا و مضمونی یکسان است، اما در هر جای قرآن با توجه به آیاتی که در ادامه می‌آیند می‌توان آن را تفسیر نمود. بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ در هر سوره، جزئی از آن و با محتوای آن هماهنگ است و در واقع در حکم عنوان آن سوره است و از آنجا که مضامین سوره‌های با یکدیگر یکسان نیست معنای بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ نیز در هر سوره مختلف خواهد بود. پر واضح است که اغراض و مقاصدی که از هر سوره به دست می‌آید مختلف است و هر سوره‌ای غرضی خاص و معنای مخصوصی را ایفا می‌کند؛ غرضی را که تا سوره تمام نشود آن غرض نیز تمام نمی‌شود، و بنابراین جمله بسم اللّٰه در هر یک از سوره‌ها راجع به آن غرض واحدی است که در خصوص آن سوره تعقیب شده است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ص. ۲۷).

با توجه به اهمیت این عبارت و اینکه حاوی اسم اعظم است می‌بایست به شیوه‌ای مناسب به زبان‌های دیگر برگردان شود تا بتواند معنا را به مخاطب منتقل کرد. نگارندگان مقاله با بررسی ده ترجمه فرانسوی این عبارت نشان دادند که مترجمان تنها به معنای ظاهری کلمات بسنده می‌کنند و در انتقال معنای واقعی کلمات این عبارات موفق نبوده‌اند. لذا ضرورت دارد با بررسی معنای کلمات این عبارت ابتدا بستر مناسب را برای فهم عمیق معنای حقیقی آن فراهم کرده تا بتوان معادل مناسبی در زبان فرانسه برای آن یافت. پژوهشگران پس از تحلیل این عبارت در قرآن، ده ترجمه قابل دسترس این عبارت را با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به استناد از تفاسیر معتبر، به منظور تشخیص معادل مناسب بررسی کرده و در نهایت در صدد پاسخ به این سؤال بر آمده‌اند که چه عواملی در درست ترجمه کردن این عبارت قرآنی می‌تواند مؤثر باشد؟

۲. تحلیل بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خدای تعالی کلام خود را به نام خود که عزیزترین نام است آغاز کرده تا آنچه که در کلامش هست مارک او را داشته باشد، و مرتبط با نام او باشد، و نیز ادبی باشد تا بنده خود را به آن ادب، مؤدب کند، و پیامزد تا در اعمال و افعال و گفتارهایش این ادب را رعایت نموده، آن را با نام وی آغاز نموده، مارک وی را به آن بزند، تا عملش خدایی شده، صفات اعمال خدا را داشته باشد، و مقصود اصلی از آن اعمال، خدا و رضای او باشد و در نتیجه باطل و هالک و ناقص و ناتمام نماند، چون به نام خدایی آغاز شده که هلاک و بطلان در او راه ندارد. (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ص ۲۵) در این باره پیامبر اسلام می‌فرماید: «هر امری از امور که اهمیتی داشته باشد، اگر به نام خدا آغاز نشود، ناقص و ابتر می‌ماند، و به نتیجه نمی‌رسد» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ص ۵۲) و کلمه ابتر به معنای چیزی است که آخرش بریده باشد.

در عبارت بِسْمِ اللّٰهِ نخست با کلمه «اسم» روبه‌رو می‌شویم که به گفته علمای ادبیات عرب اصل آن از سمو (بر وزن غلو) گرفته شده که به معنای بلندی و ارتفاع است و اینکه به هر نامی اسم گفته می‌شود به واسطه آن است که مفهوم آن بعد از

نامگذاری از مرحله خفا و پنهانی به مرحله بروز و ظهور و ارتفاع می‌رسد یا به واسطه آن است که لفظ با نامگذاری، معنی پیدا می‌کند و از مهمل بودن و بی‌معنی بودن در می‌آید و علو و ارتفاع می‌یابد. بعد از کلمه اسم، به کلمه الله می‌رسیم که جامع‌ترین نام‌های خداست؛ زیرا بررسی نام‌های خدا که در قرآن مجید یا سایر منابع اسلامی آمده نشان می‌دهد هر کدام از آن یک بخش خاص از صفات خدا را منعکس می‌سازد و تنها نامی که اشاره به تمام صفات و کمالات الهی، یا به تعبیر دیگر جامع صفات جلال و جمال است همان الله است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص. ۲۰).

درباره کلمه «الرحمن» مشهور در میان گروهی از مفسران این است که صفت رحمن، اشاره به رحمت عام خدا است که شامل دوست و دشمن، مؤمن و کافر و نیکوکار و بدکار است؛ زیرا می‌دانیم باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌دریغش همه‌جا کشیده، همه بندگان از مواهب گوناگون حیات بهره‌مندند و روزی خویش را از سفره گسترده نعمت‌های بی‌پایانش بر می‌گیرند. این همان رحمت عام او است که پهنه هستی را در بر گرفته و همگان در دریای آن غوطه‌ورند. «رحیم» به رحمت خاص پروردگار اشاره دارد که ویژه بندگان مطیع و صالح و فرمان‌بردار است، زیرا آن‌ها به حکم ایمان و عمل صالح، شایستگی این را یافته‌اند که از رحمت و بخشش و احسان خاصی که آلودگان و تبهکاران از آن سهمی ندارند، بهره‌مند گردند. «رحمن» در همه‌جا در قرآن مطلق آمده است که نشانه عمومیت آن است، در حالی که رحیم گاهی به‌طور مقید ذکر شده که دلیل بر خصوصیت آن است مانند «وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا» یعنی «خداوند نسبت به مؤمنان رحیم است» (احزاب، آیه ۴۳) و گاه مطلق آمده مانند سوره حمد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص. ۲۲).

امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «خداوند معبود همه چیز است، نسبت به تمام مخلوقاتش رحمان، و نسبت به خصوص مؤمنان رحیم است» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ص. ۲۳). از سویی رحمان را صیغه مبالغه دانسته‌اند که خود دلیل دیگری بر عمومیت رحمت اوست و رحیم را صفت مشبیه که نشانه ثبات و دوام است و این ویژه مؤمنان است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ص. ۲۳). دلیل اینکه در این عبارت قرآن تنها

دو صفت خداوند بیان شده این است که در آغاز هر کار لازم است از صفتی استمداد کنیم که آثارش بر سراسر جهان پرتوافکن است، همه موجودات را فرا گرفته و گرفتاران را در لحظات بحرانی نجات بخشیده است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ص. ۲۴). در واقع رحمان اسم خاص است، اما صفت عام دارد ولی رحیم اسم عام است اما صفت خاص دارد (طبرسی، ۱۴۰۸، ص. ۲۱). با توجه به مطالب بالا اهمیت برگردان درست کلمات این عبارت قرآنی به وضوح قابل مشاهده است و مترجم باید همه همت خود را به کار گیرد تا بتواند فحوای کلام را به درستی بیان کند؛ زیرا کوچک‌ترین اهمال سبب القای مفاهیم اشتباه به مخاطب می‌گردد.

۳. واکاوی برگردان بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ به زبان فرانسه

در این بخش سعی می‌شود ده ترجمه فرانسوی این عبارت توسط ده مترجم با ملیت‌های مختلف ارزیابی شود و به استناد تفاسیر معتبر، درستی یا نادرستی ترجمه مشخص شود. در نگاه اول آنچه مشهود است تخریب ضربه‌آهنگ متن توسط مترجمان است که تغییر در نشانه‌گذاری متن اصلی آن را موجب می‌شود (صمیمی، ۱۳۹۱، ص. ۴۶)؛ زیرا هر متن علائم نگارشی خاصی را دارد و عدم رعایت این علائم سبب تخریب ریتم جمله می‌شود. یک متن ممکن است ساختار آوایی ویژه‌ای داشته باشد و در آن بر کلماتی خاص تکیه شود یا بر روی کلماتی درنگ و توقف گردد و این تأکید و توقف‌ها، به آن متن معنایی خاص ببخشد که در این صورت لازم است که در ترجمه مورد توجه قرار گیرد (مرادی، ۱۳۹۰، ص. ۵۷).

با توجه به جدول ۱ برک، شورکی، میشون دو ویرگول و یک نقطه، بلاشر و فخری یک ویرگول و یک نقطه، ماسون یک دو نقطه و یک ویرگول و یک نقطه افزوده‌اند. شایان ذکر است که تنها نمی‌توان ریتم را مختص شعر دانست چرا که «رمان، مقالات علمی و رساله نیز همانند شعر موزونند» (برمن^۱، ۱۹۹۱، ص. ۶۱). بنابراین، مترجم باید به ریتم متن توجه خاصی داشته باشد و از افزودن یا کاهش

علائم سجاوندی جداً پرهیز نماید؛ چرا که قطعاً نویسنده از بیان متن با نقطه گذاری خاص خود، هدفی را دنبال می کند و وفاداری به متن مبدأ ایجاب می کند که مترجم ضرب آهنگ متن را بدون تغییر به زبان مقصد منتقل نماید. در متن قرآن این امر اهمیت دوچندان دارد؛ زیرا کوچکترین تغییری سبب تحریف متن قرآن می شود.

جدول ۱. علائم سجاوندی به کار رفته در ترجمه بسم الله الرحمن الرحيم

ترجمه	مترجم
Au nom de Dieu, le Tout miséricorde, le Miséricordieux.	ژک برک
Au nom d'Allah, Le Matriciant, Le Matriciel.	آندره شورکی
Au nom d'Allah, Le Bienfaiteur miséricordieux.	رژی بلاشر
Au nom de Dieu Le Miséricordieux plein de miséricorde	ژان گروس ژان
Au nom du Dieu clément et miséricordieux	آلبین دوپیر اشتاین کازیمیرسکی
Au nom de Dieu : celui qui fait miséricorde, le Miséricordieux.	دنیز ماسون
Au nom du Dieu clément et miséricordieux	کلود اتین ساواری
Au nom de Dieu, le Miséricordieux, le Clément.	ژان لویی میسون
[Commencer] par le Nom de DIEU le Tout-Miséricordieux, le Très-Miséricordieux.	غلام حسین ابوالقاسمی فخری
Au nom d'Allah très miséricordieux et compatissant.	ادوارد مونته

با توجه به ظاهر آیه می توان این عبارت را به چهار بخش تقسیم کرد که اولین قسمت شامل «بِسْمِ» می شود. امام صادق (ع) می فرمایند: «باء بهاء و روشنایی خداوند و سین، سنا و شکوه خداوند و میم، مجد و بزرگواری خداوند است» (کلینی رازی، ۱۴۰۱، ص. ۸۹). مترجمان این قسمت را این گونه ترجمه کرده اند.

جدول ۲. ترجمه بَسْمِ

معنی	ترجمه بَسْمِ	مترجم
به نام	Au nom de	ژک برک
به نام	Au nom de	آندره شورکی

ادامه جدول ۲

معنی	ترجمه بِسْمِ	مترجم
به نام	Au nom de	رژی بلاشر
به نام	Au nom de	ژان گروس ژان
به نام	Au nom du	کازیمیرسکی
به نام	Au nom de	ماسون
به نام	Au nom de	ساواری
به نام	Au nom de	میشون
شروع کردن با نام	[Commencer] par le Nom de	فخری
به نام	Au nom de	مونتته

می‌توان گفت همه مترجمان به‌جز فخری آن را یکسان ترجمه کرده و از معادل *Au nom de* استفاده کرده‌اند؛ با توجه به جدول ۲، معادل انتخابی فخری به معنای «شروع کردن با نام خدا» است. او از فعل *commencer* (شروع کردن، آغاز کردن، اول چیزی آمدن) (پارسایار، ۱۳۸۰، ص. ۲۰۱) به صورت مصدر داخل گروه استفاده کرده است. در زبان فرانسه معمولاً افعال به صورت مصدر در ابتدای جملات در دستور آشپزی، راهنمای استفاده از وسایل و آگهی‌های تبلیغاتی استفاده می‌شوند (دولتور^۱ و همکاران، ۱۹۹۱، ص. ۷۲) و این شیوه مناسب ترجمه قرآن نمی‌باشد. درست است در این عبارت قرآنی معنای آغاز کردن با نام خدا نهفته است، اما در ظاهر معادلی برای آن وجود ندارد. بنابراین ترجمه فخری در این قسمت در مقایسه با بقیه مترجمان درست نیست. در ضمن کازیمیرسکی از *Le* که در ترکیب با حرف اضافه *de* تبدیل به *du* شده، قبل از اسم *Dieu* استفاده کرده که هدف وی تأکید بیشتر بر اسم بعد از آن است و در واقع در پی بیان این بوده است که در اینجا منظور، خدایی خاص می‌باشد.

1. Delatour et al.

دومین قسمت، واژه الله است. اصل لفظ جلاله الله، آل اله بوده که همزه دومی در اثر کثرت استعمال حذف شده و به صورت الله در آمده است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ص. ۲۹). به فرموده امام صادق (ع) در این کلمه، الف، آلاء و نعمت‌های خداوند بر آفریدگان خود با بهره‌مندی از ولایت ماست و «ل» الزامی است که خداوند در ولایت ما بر آفریدگانش نهاده است و «ه» خاری است برای هر کس که با محمد و خاندان محمد صلی الله علیه و آله مخالفت کند (صدوق، ۳۳۱، ص. ۳).

جدول ۳. ترجمه الله

معنی	ترجمه الله	مترجم
خدا، یزدان	Dieu	ژک برک
الله	Allah	آندره شورکی
الله	Allah	رژی بلاشر
خدا، یزدان	Dieu	ژان گروس ژان
خدا، یزدان	Dieu	کازیمیرسکی
خدا، یزدان	Dieu	ماسون
خدا، یزدان	Dieu	ساواری
خدا، یزدان	Dieu	میشون
خدا، یزدان	Dieu	فخری
الله	Allah	مونتته

در جدول ۳ مشاهده می‌کنیم که برخی از مترجمان اقدام به ترجمه الله نموده‌اند. اولاً الله اسم خاص است. از جمله ادله‌ای که دلالت می‌کند بر اینکه کلمه الله علم و اسم خاص خدا است، این است که خدای تعالی به تمامی اسماء حسنايش و همه افعالی که از این اسماء انتزاع و گرفته شده، توصیف می‌شود، ولی با کلمه الله توصیف نمی‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ص. ۲۸). به عقیده ژرژ مور «تمامی اسامی خاص

باید به‌طور جدی حفظ شوند» (لکویی، موغل، ویتا^۱، ۲۰۱۱، ص. ۲۰۲) و هرگونه تغییرها به ترجمه اسامی خاص منجر نمی‌شوند، بلکه به اسم خاص جدید دیگری منجر می‌شود (کلیبر^۲، ۱۹۸۱). بنابراین اسامی خاص قابل ترجمه نیستند. ثانیاً نمی‌توان برای کلمه الله معادلی در زبان فرانسه یافت؛ چرا که به فرموده امام علی(ع) معنای الله آن است که «او معبودی است که آفریده‌ها در او حیرانند، زیرا او از درک دیدگان مستور و از دسترس افکار و عقول محجوب است» (قرائتی، ۱۳۸۶، ص. ۶۳۷). نکته جالب توجه این است که کلمه الله نام خدای تعالی است و بر هیچ چیز دیگری دلالت ندارد (قرائتی، ۱۳۸۶، ص. ۲۹).

کلمه Dieu در اصل به‌معنای اساس پیدایش دنیا و بشریت است که توسط موجودی عالی مقام و قادر به‌وجود آمده است (صفت‌ها و خصوصیات این موجود بر اساس مذاهب مختلف متغیر است) (ری^۳، ۱۹۹۳، ص. ۳۷). در فرانسه کلمه Dieu به‌معنای خدا، ایزد، رب‌النوع و در معنای مجازی بت است (پارسایار، ۱۳۸۰، ص. ۲۹۴). همچنین «از دیدگاه مسیحیان، یکتاپرستان و کسانی که به حضور خدا معتقدند به‌معنای موجودی جاودان و خالق دنیا است» (بنک^۴، ۱۹۹۶، ص. ۲۵۶). با اندکی تأمل در تعاریف ارائه‌شده از اسم Dieu در می‌یابیم که این معادل مناسب اسم الله نیست؛ چرا که اولاً هم به‌معنای خداست و هم بت. ثانیاً در قسمت قبل بیان شد که این اسم خاص، قابل ترجمه نیست. بهترین حالت برگردان این اسم آن است که آن را بدون هیچ تغییری، به لاتین نوشت. سومین قسمت صفت الرحمن است که مترجمان مذکور به‌صورت زیر آن را ترجمه کرده‌اند. همان‌گونه که قبلاً بیان شد صفت الرحمن به رحمانیت خدا نسبت به عامه مردم اشاره دارد.

1. Lecuit, Maurel & Vitas
2. Kleiber
3. Rey
4. Bénac

جدول ۴. ترجمه کلمه الرحمن

معنی	ترجمه کلمه الرحمن	مترجم
مالک همه رحمت‌ها	le Tout miséricorde	ژک برک
زهدان آفرینش	Le Matriciant	آندره شورکی
نیکوکار، خیرخواه	Le Bienfaiteur	رژی بلاشر
بخشنده، مهربان	Le Miséricordieux	ژان گروس ژان
بخشنده، بخشایشگر	Clément	کازیمیرسکی
کسی که بخشش انجام می‌دهد.	celui qui fait miséricorde	ماسون
بخشنده، بخشایشگر	Clément	ساواری
بخشنده، مهربان	le Miséricordieux	میشون
مالک همه رحمت‌ها	le Tout-Miséricordieux	فخری
بسیار بخشنده	très miséricordieux	مونتته

معادل انتخابی برک به معنای رحمت و بخشش (پارسایار، ۱۳۸۰، ص. ۵۵۹) است و از قید tout یعنی همه، تمام، کامل، سرتاسر، به کلی و ... (پارسایار، ۱۳۸۰، ص. ۸۵۱) استفاده کرده است و در واقع، ترجمه وی بدان معناست که به نام خدایی که صاحب همه رحمت‌هاست. نکته قابل تأمل در ترجمه او این است که صفت الرحمن را به صورت اسم ترجمه کرده است و نوعی تغییر ساختار رخ داده است. در واقع تغییر ساختار بدین معناست که بخشی از گفتار با دیگری جایگزین شود بدون آنکه معنایش دستخوش تغییر شود (وینه و داربلنه^۱، ۱۹۷۷، ص. ۵۰). از لحاظ معنایی می‌توان گفت ترجمه وی می‌تواند آن حجم از معنایی که مد نظر است به مخاطب منتقل کند، اما عام بودن این رحمت مورد توجه قرار نگرفته است.

شورکی کلمه الرحمن را مشتق از matrice به معنای زهدان و رحم دانسته و در توضیح آن نیز می‌افزاید که خداوند از آن رو matriciant نامیده شده است که سرچشمه زندگی همه موجودات و در واقع زهدان جهانی آفرینش است (حدیدی،

1. Vinay, Darbelneh

۱۳۸۰، ص. ۹۶). این معنا از کلمه الرحمن در هیچ یک از تفاسیر و فرهنگ‌های عربی یافت نمی‌شود. کلمه *matriciant* نیز در فرهنگ‌های معتبر زبان فرانسه از جمله فرهنگ Robert وجود ندارد.

بلاشتر نیز صفت الرحمن را بصورت اسم ترجمه کرده است که در اینجا نیز با تغییر ساختار مواجه هستیم. معادل انتخابی وی به معنای نیکوکار، خیرخواه، خیر، حامی، ولی نعمت می‌باشد (پارسایار، ۱۳۸۰، ص. ۵۱۲). در ضمن از *le* که حرف تعریف معرفه و صیغه مفرد مذکر می‌باشد استفاده نموده است. در فرهنگ لاروس زیر واژه *bienfaiteur* می‌خوانیم کسی که عمل نیک انجام دهد (گرماس^۱، ۲۰۰۷، ص. ۶۶). این تعریف‌ها به زعم نگارندگان و بر اساس تفاسیر شیعی متناظر با واژه قرآنی می‌باشد. چون کلمه الرحمن معنایی فراتر از این‌ها دارد و تنها به معنای نیکوکار بودن نیست بلکه به معنای کسی است که مالک تمام رحمت‌ها و بخشش‌هاست و تمامی رحمت‌ها در انحصار وی می‌باشد و او نیز عامه مردم و همه موجودات را از آن رحمت بهره‌مند می‌گرداند.

گروس ژان و میشون این واژه را به *Le Miséricordieux* ترجمه کرده‌اند. این صفت به معنای بخشنده، رحیم و مهربان است (پارسایار، ۱۳۸۰، ص. ۵۵۹). این دو مترجم همانند دو مترجم قبلی از حرف تعریف *Le* نیز استفاده کرده‌اند و در واقع اسم حذف شده و صفت جانشین اسم شده است؛ برای همین این دو مترجم قبل از صفت از حرف تعریف استفاده نموده‌اند. این مترجمان در ترجمه خود اشاره‌ای به عام بودن رحمت و بخشش خداوند نکرده‌اند و فقط بیان داشته‌اند به نام خدایی که بخشنده است. سؤالی که اینجا به ذهن خطور می‌کند این است که آیا این بخشندگی دارای حد و مرز است یا نامحدود است؟ مترجمان باید حدود بخشندگی را در ترجمه خود مشخص می‌کردند. معادل انتخابی کازیمیرسکی و ساواری به معنای بخشنده، بخشاینده، بخشایشگر، معتدل و ملایم است. این دو مترجم نیز مانند دو مترجم قبلی به عام بودن صفت الرحمن اشاره‌ای نکرده‌اند.

ماسون این صفت را به شیوه تفسیری ترجمه کرده و به معنای کسی است که بخشش انجام می‌دهد. این گونه ترجمه مناسب متون مذهبی نیست و ما نمی‌توانیم در ترجمه قرآن از شیوه تفسیری استفاده کنیم؛ چرا که فصاحت قرآن کریم ایجاب می‌کند با کوچک‌ترین کلمات دنیایی از معانی را انتقال داد. در ضمن در این شیوه، ترجمه با توضیحات اضافی در می‌آمیزد و مترجم فهم خود را به مخاطب ارائه می‌دهد، نه ترجمه کلمات را. این شیوه معمولاً در تفاسیر به کار گرفته می‌شود؛ بنابراین این نشان‌دهنده ناتوانی مترجم در ترجمه این کلمه قرآنی است. همان‌گونه که در قسمت‌های قبل اشاره شد قرآن کلام خداست و هیچ زبان بشری قادر به بازتولید آن نمی‌باشد؛ زیرا گوینده خداوند است و مترجم موجودی است که به قدرت همان خدا به وجود آمده است؛ بنابراین گوینده و مترجم در یک سطح قرار ندارند و این امر مترجم را به عنوان انسانی که دارای محدودیت‌های زبانی بسیار است با مشکل روبه‌رو می‌سازد که در مواردی شیوه توضیحی یا تفسیری برای ترجمه عبارتی خاص متوسل می‌شود. حاصل این شیوه ترجمه در حقیقت، تفسیر است نه ترجمه؛ بنابراین ترجمه اصطلاحی به‌شمار نمی‌آید (معرفت، ۱۴۰۸، ص. ۱۲۰). خرمشاهی در این باره می‌گوید که این ترجمه اگر در مورد قرآن اعمال شود موجب می‌شود که مترجم انشای خود را در کنار قرآن ارائه دهد (خرمشاهی، ۱۳۷۲).

فخری و حمیدالله نیز از صفت *Miséricordieux* استفاده کرده‌اند که در قسمت ترجمه گروس ژان و میشون معنای آن بیان شد. همچنین این دو مترجم قید *tout* را قبل از صفت مذکور به کار برده‌اند. هرگاه این قید قبل از صفت بیاید به معنای کاملاً یا خیلی است (دل‌تورا^۱ و همکاران، ۱۹۹۱، ص. ۱۴۵). پس ترجمه آن‌ها بدین معناست که به نام خدایی که کاملاً بخشنده است؛ بنابراین، عام بودن بخشش را می‌توان از این ترجمه استنباط کرد. در واقع، زمانی که کسی کاملاً بخشنده و مهربان است از نثار این بخشنندگی به دیگران دریغ نمی‌ورزد؛ زیرا این خصلت با طبیعت وی عجین شده است.

1. Delatour et al.

در نهایت، مونته از قید très به معنای خیلی و بسیار (پارسایار، ۱۳۸۰، ص. ۸۶۰) برای تأکید بیشتر به همراه صفت miséricordieux استفاده کرده است و در واقع ترجمه او یعنی «خدایی که بسیار بخشنده است». قید très در اینجا ابهام دارد؛ چرا که مشخص نیست چه مقدار بخشنده بودن مد نظر مترجم است و هرکس می‌تواند برداشتی متفاوت از آن داشته باشد. بنابراین به زعم نگارندگان، مناسب بود مترجم شفاف‌سازی می‌کرد و از قید مناسب‌تری استفاده می‌کرد. مثلاً قید tout را انتخاب می‌کرد تا به‌طور تقریبی تمامیت و انحصار رحمت و بخشش را که در اختیار خداوند است، به تصویر بکشد.

بخش آخر صفت الرحیم است.

جدول ۵. ترجمه کلمه الرحیم

معنی	ترجمه کلمه الرحیم	مترجم
بخشنده، مهربان	le Miséricordieux.	برک
تداوم بخش آفرینش	Le Matriciel.	شورکی
بخشنده، مهربان	miséricordieux	بلاشر
سرشار از رحمت	plein de miséricorde	گروس ژان
بخشنده، مهربان	miséricordieux	کازیمیرسکی
بخشنده، مهربان	Miséricordieux	ماسون
بخشنده، مهربان	miséricordieux	ساواری
بخشنده، بخشایش‌گر	le Clément	میشون
بسیار بخشنده	le Très-Miséricordieux	فخری
رحیم، دلسوز	compatissant	مونته

در این قسمت معادل انتخابی برک که در قسمت قبل معنای آن به‌طور کامل بیان شد، نمی‌تواند به رحمت خاص خداوند اشاره داشته باشد، چرا که وی به‌طور خیلی

ساده بیان داشته خدایی که بخشنده و مهربان است. این در حالی است که این مهربانی، خاص مؤمنان است و با بخشندگی و مهربانی که در صفت الرحمن مد نظر است کاملاً متفاوت است؛ بنابراین مترجم می‌بایست بین این دو صفت با روشی دیگر مانند افزودن قید تمایز قائل می‌شد تا به درستی منحصر بودن این صفت خداوند نسبت به بندگان مؤمن، نشان داده شود.

معادل شورکی نیز گویای آن است که خداوند تداوم بخش آفرینش است و همچون مادری، فرزند را در رحم خود می‌پروراند و بدین‌گونه زندگی او را تداوم می‌بخشد (حدیدی، ۱۳۸۰، ص. ۹۶). شورکی مترجمی یهودی است که غرق در باورهای خود است و هر دو صفت الرحمن و الرحیم را به ریشه عبری آنها باز گردانده است. با خواندن ترجمه او این حس به خواننده القا می‌شود که وی بی‌آنکه بر زبان آورد، همه چیز را برخاسته از آیین یهود می‌داند و یهودیان را سرچشمه برکات ارضی و سماوی در گذشته و حال می‌پندارد. از این رو پیوسته برای لغات عربی ریشه‌های عبری، آن هم عبری کهن می‌جوید (حدیدی، ۱۳۸۰، ص. ۹۳). در واقع، به نظر می‌رسد او دائماً به دنبال استفاده از لغاتی است که خود را از دیگر مترجمان متمایز کند. این نوآوری‌ها برای زبان‌شناسان و کسانی که با زبان عبری آشنا هستند می‌تواند جذاب باشد، اما برای عامه مردم می‌تواند منشأ ابهام شود؛ چراکه همگان با زبان عبری آشنایی ندارند. در ضمن این گونه موضع‌گیری نسبت به قرآن در واقع، نادیده گرفتن تحولی است که هر دو زبان عبری و عربی در طول دو هزار سال، از دوره موسی و انبیای بنی‌اسرائیل تا عصر پیدایش اسلام، طی کرده‌اند (حدیدی، ۱۳۸۰، ص. ۹۴).

معادل‌های بلاشر، کازیمیرسکی و ساواری در قسمت مربوط به صفت الرحمن به‌طور کامل بدان‌ها پرداخته شد و اشکالی که در اینجا به این سه مترجم وارد است، این است که آن‌ها نیز خاص بودن رحمت را منتقل نکرده‌اند و فقط ساده بیان کرده‌اند خدایی که بخشنده است، اما پر واضح است که مطابق با تفاسیر این نوع رحمت، رحمتی خاص است.

گروس ژان از صفت *plein* به معنای پر، مملو، لبریز، انباشته، تمام، کامل، آکنده و... (پارسایار، ۱۳۸۰، ص. ۶۵۶) همراه با اسم *misérocorde* استفاده کرده است. ترجمه وی بدین معناست «خدایی که لبریز از رحمت است». صفت انتخابی این مترجم ابهام دارد؛ چرا که اندازه لبریز بودن نسبی است و هر انسانی بنابر زوایه دید خود مقداری را برای لبریز بودن در نظر می‌گیرد؛ وانگهی خاص بودن این صفت نیز نادیده انگاشته شده است. در ترجمه او نیز تغییر ساختار رخ داده است و صفت الرحیم با اسم جایگزین شده است.

معادل انتخابی ماسون نیز در قسمت مربوط به صفت الرحمن بررسی شد و کامل نبودن آن در انتقال مقصود واقعی این صفت بیان شد. وی نیز همچون مترجمان قبلی در پی اثبات خاص بودن این صفت نبوده و تنها صاحب رحمت بودن خداوند را بیان کرده است. می‌شود نیز در پی بیان بخشش و رحمت خداوند بوده و ترجمه‌اش نیز صحیح نیست؛ چرا که اثری از اختصاص این رحمت به بندگاه خاص و مؤمنان در ترجمه وی مشاهده نمی‌گردد. فخری و حمیدالله از قید *très* قبل از صفت بخشنده استفاده کرده‌اند که در بخش تحلیل صفت الرحمن بیان شد که این قید دارای ابهام است؛ زیرا محدوده آن مشخص نیست و همچنین خاص بودن رحمت را نمی‌رساند. در نهایت، مونته از صفت *compatissant* به معنای دلسوز، دل‌رحم، رحیم، ترحم‌آمیز (پارسایار، ۱۳۸۹، ص. ۲۰۴) استفاده کرده است. وی نیز مانند مترجمان قبلی در انتقال خاص بودن رحمت و بخشش خداوند ناتوان بوده و ترجمه‌اش به سادگی اشاره به رحیم بودن خداوند دارد و محدوده آن مشخص نیست.

پر واضح است که ترجمه قرآن کریم به دلیل ظرافت‌های موجود، حساسیت‌های خاصی می‌طلبد و گاه مترجم با واژگانی برخورد می‌کند که علی‌رغم ظاهری ساده، دنیایی از معانی دارد. در بالا دیدیم که ده مترجم منتخب در انتقال معنای *بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ* که در ظاهر تنها از چهار کلمه تشکیل شده است، موفق عمل نکرده و هر کدام در بخشی دچار مشکل بودند. در واقع، می‌توان گفت که هیچ‌یک از آنان به درستی این عبارت قرآنی را ترجمه نکرده‌اند.

۴. نتیجه‌گیری

ترجمه امری است که ارتباط بین جوامع مختلف را تضمین می‌کند. با توجه به گسترش و نفوذ اسلام در دنیا، ترجمه متون مذهبی از اهمیت فراوانی برخوردار است. فرانسه در اروپای غربی دارای بیشترین تعداد مسلمانان است و این امر ضرورت ترجمه این متون را به فرانسه دوچندان می‌کند. بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ در قرآن بسامد بسیار بالایی دارد و ۱۱۴ مرتبه آمده است که معنای آن در هر جا به تناسب سوره‌ای که در آن قرار دارد متفاوت است و مطابق با محتوای سوره معنا می‌شود. با وجود اینکه این عبارت از چهار کلمه تشکیل شده، برگردان آن به زبانی دیگر بسیار مشکل است و هیچ‌یک از ده مترجم منتخب در این پژوهش نتوانسته‌اند آن را به درستی ترجمه کرده و معنا را انتقال دهند. عوامل زیر می‌توانسته در درستی ترجمه این عبارت مؤثر واقع گردند:

۱. مترجمان می‌توانستند با مراجعه به کتب تفسیری ابتدا از کلمات قرآنی رمزگشایی کنند و آنگاه معنای آن را به زبان فرانسه انتقال دهند. این امر سبب می‌شد اشتباهات کمتری را در انتقال مفاهیم قرآنی مرتکب شوند و لاقلاً تفاوت معنایی دو صفت الرحمن و الرحیم را مشخص کنند.

۲. تنها تسلط به دو زبان عربی و فرانسه، جواز ترجمه نیست؛ چرا که مترجمان می‌بایست با تمام وجود کلمات و عبارات قرآنی را درک کرده و آنگاه به ترجمه بپردازند. این امر ایجاب می‌کند مترجم کاملاً به زبان قرآن آشنا باشد و از احادیث و روایات نیز در صورت مبهم بودن کلمه استفاده نماید.

۳. در ده ترجمه عبارت بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ مشاهده کردیم که مترجمان تنها به ظاهر کلمات بسنده کرده و مطابق آن، معادلی را برگزیده‌اند و از انتقال پیام واقعی آیه ناتوان بوده‌اند. بنابراین بهتر بود با دیدی موشکافانه‌تر به کلمات نگریسته و به دنبال کشف معنای پنهانی آن‌ها نیز باشند که این امر مستلزم ترجمه گروهی است.

۴. در صورت وجود فرهنگ واژگان واحد و مناسب در زمینه ترجمه متون اسلامی علی‌الخصوص قرآن، می‌توان ترجمه‌های مناسب و یکدستی از این عبارت به

زبان فرانسه داشت. فقدان چنین منابعی به ترجمه‌هایی متفاوت از یک عبارت واحد منجر می‌شود؛ چرا که اغلب مترجمان تحت تأثیر جهت‌گیری‌های ایدئولوژیکی خود، اقدام به ترجمه می‌نمایند. با اندکی دقت در معادل‌های انتخابی می‌توان دیدگاه ایدئولوژیکی مترجم را به‌خوبی تشخیص داد. مثلاً شورکی سعی بر آن داشت برای کلمات این عبارت، از معادل‌هایی با ریشه عبری استفاده کند. زبان عبری متعلق به یهودیان است و در واقع او نتوانسته خود را از قید و بند ایدئولوژی خود برهاند و این امر در انتخاب کلمات او مؤثر بوده است.

کتابنامه

- پارسایار، م. (۱۳۸۰). فرهنگ معاصر فرانسه-فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.
- حدیدی، ج. (۱۳۸۰). رهروان حقیقت. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- خرم‌شاهی، ب. (۱۳۷۲). ترجمه قرآن، مشکلات و دیدگاه‌ها. مترجم، ۳(۱۰)، ۳۲-۶۲.
- صدوق، م. (۱۴۰۳). معانی الاخبار. ترجمه عبدالعلی محمدی شاهرودی. قم: جامع مدرسین.
- صمیمی، م. (۱۳۹۱). بررسی ترجمه داستان «تپه‌هایی چون فیل‌های سفید» بر اساس سیستم تحریف متن آنتوان برمن. کتاب ماه ادبیات، ۶۵، ۴۴-۴۹.
- طباطبائی، م. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، ا. (۱۴۰۸). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه للطبعه و النشر.
- فیض کاشانی، م. (۱۴۱۵). تفسیر الصافی. تهران: الصدر.
- کلینی رازی، م. (۱۴۰۱). اصول کافی. بیروت، لبنان: دارصعب و دارالتعارف.
- مرادی، م. (۱۳۹۰)، چند و چون ترجمه فصلنامه پژوهش و حوزه، ۳۷، ۴۷-۸۶.
- معرفت، م. (۱۴۱۸). التفسیر والمفسرون فی ثوبه التمشیب، ج. ۱. مشهد: الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ج. ۱۱. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۸۰). تفسیر نمونه، ج. ۱۵. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مهدوی، س. (۱۳۸۶). قصه‌ها و نکات تربیتی در قرآن. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

- Bénac, H. (1996). *Dictionnaire des synonymes*. Paris, France: Hachette.
- Berman, A. (1991). *La traduction et la lettre ou l'auberge du lointain*. Paris, France: Seuil.
- Berque, J. (1995). *Le Coran*. Paris, France: Albin Michel.
- Biberstein Kasimirski, A. (1840). *Le Coran*. Paris, France: Kasimirski.
- Blachère, R. (1973). *Le Coran*. Paris, France: Presses Universitaires de France.
- Chouraqui, A. (1990). *Le Coran*. Paris, France: L'Appel.
- Delatour, Y., Jennepin, D., Mattle-Yeganeh, A., Teyssier, B., & Leon-Dufour, M. (1991). *Grammaire du français*. Paris, France: Hachette.
- Greimas, A. J. (2007). *Larouss*. Paris, France: Larouss.
- Grosjean, J. (1972). *Le Coran*. Paris, France: Philippe le baud.
- Hamidullah, M. (2013). *Le saint Coran*. Retrieved from www.lenoblecoran.fr.
- Kleiber, G. (1981). *Problèmes de référence: Descriptions définies et noms propres*. Paris, France: Klincksieck.
- Lecuit, E., Maurel, D., & Vitas, D. (2011). La traduction des noms propres: Une étude en corpus. *Corpus*, 9(10), 201-218.
- Masson, D. (1967). *Le Coran*. Paris, France: Gallimard.
- Michon, J. L. (2013). *Le Coran*. Retrieved from www.lenoblecoran.fr.
- Mounin, G. (1963). *Les problèmes théoriques de la traduction*. Paris, France: Gallimard.
- Rey, A. (1993). *Le robert micro poche*. Paris, France: Hachette.
- Savary, C. E. (1783). *Le Koran, traduit de l'arabe accompagné de notes et de la vie de Mahomet*. Paris, France: Garnier frères.
- Vinay, J. P., & Darbelnet, J. (1958). *Stylistique comparée du français et de l'anglais*. Paris, France: Dedier.